

# رہبر شہیدم

مروری بر زندگی و اندیشہ

حضرت آیت اللہ العظمی امام خامنہ‌ای رضوان اللہ تعالیٰ علیہ

کتاب پشتیبان اول - معرفی آیت اللہ العظمی امام خامنہ‌ای (رضوان اللہ تعالیٰ علیہ)

## نسب و خاندان

آیت الله سید علی خامنه‌ای، چهارشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۱۸ در مشهد مقدس به دنیا آمد.<sup>۱</sup> در خانه‌ای محقر، در حوالی بازار سرشور.

نسب آیت الله سید علی خامنه‌ای، به «سلطان سید احمد» می‌رسد که با پنج واسطه از فرزندان امام زین العابدین (علیه‌السلام) است. سلطان سید احمد در سال ۳۶۰ هجری، به ایران و منطقه‌ای در نزدیکی اراک فعلی آمد، در حال نماز شب به دست عمال بنی‌عباس به شهادت رسید و بارگاه او زیارتگاه مردم است.

پدر ایشان از علمای نجف و از شاگردان از درس علمایی چون آیات عظام نائینی، آقا ضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی بود و از عالم بزرگ، محمدحسین غروی اصفهانی (کمپانی) نیز اجازه اجتهاد گرفت.

مادر ایشان فرزند حضرت آیت الله سیدهاشم میردامادی از فقها و مفسرین صاحب‌نفس نجف بود که بعدها در مشهد مقدس ساکن شد و در قیام گوهرشاد زندانی و تبعید شدند. شبستان محل اقامه نماز ایشان در مسجد گوهرشاد، به نام ایشان معروف است.

---

۱. من «سیدعلی خامنه ای در تیر ماه ۱۳۱۸ [به دنیا آمده ام.] البته در شناسنامه است. ظاهراً تاریخ صحیح باید فروردین ماه باشد.» (بیانات در پاسخ به پرسش رئیس مرکز آمار ایران در آمارگیری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰)

## تولد و آغاز مسیر علمی

من در مشهد متولد شدم، در یک خانواده‌ی روحانی، پدرم از علمای معروف مشهد بودند و من در زیر سایه‌ی پدری که خود روحانی بود و علاقه‌ی به رشته‌ی روحانیت و تبلیغ و تدریس علوم دینی داشت، شروع به خواندن مقدمات علوم اسلامی آغاز کردم، در حالی که هنوز دوره‌ی دبستان را به پایان نرسانده بودم.<sup>۲</sup>

بنده در «مدرسه‌ی سلیمان‌خان» سابق و «سلیمانیه»<sup>۳</sup>ی بعدی، دو سال تحصیل کردم. من در همان سنین نوجوانی، بعد از گذشت دو سه سال که طلبگی خوانده بودم، درسم خیلی پیشرفت کرده بود، راههای طولانی را در زمان کوتاهی طی کرده بودم و سوادم خوب بود.

وقتی رسیدیم به کتاب حج [از کتاب شرایع‌الاسلام]، مصادف شد با این که پدرم کتاب حج شرح لمعه را به برادرم درس می داد.<sup>۴</sup>

پدرم مقام علمی بالایی داشت و مجتهدی با اجازات [بود] و شاگردانی در سطوح عالی تربیت کرده بود. بنابراین سزاوار نبود که او با آن مقام علمی به من که دوره‌ی ابتدایی دروس اسلامی را می‌گذراندم درس بدهد.<sup>۴</sup> [اما] به من گفت بیا و در درس شرح لمعه شرکت کن. من گفتم ممکن است نتوانم بفهمم. ایشان گفتند: «می‌توانی بفهمی.» و لذا رفتم و اتفاقاً فهمیدم.<sup>۵</sup>

پس از اینکه شرح لمعه را تمام کردم، رفتم درس مکاسب و رسائل مرحوم آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی (که از شاگردان مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی و اهل

---

۲ . مصاحبه با صدا و سیما پس از مراسم تحلیف ۱۳۶۰/۰۷/۱۹

۳ . کتاب خاطرات و حکایت ها، ص ۳۲

۴ . همان، ص ۳۱ و ۳۲

۵ . همان، ص ۳۲

ریاضت و مدرّس درجه یک مشهد محسوب می‌شد... بخش عمده درس رسائل و مکاسب و کفایه را پیش ایشان خواندم و مابقی را پیش پدرم خواندم.<sup>۶</sup>

باید بگویم کمکهای پدرم، سهم وافری در پیشرفت درسی‌ام داشته است و من از آن اول که رسماً طلبه شدم تا وقتی که درس خارج را شروع کردم پنج سال و نیم طول کشیده، یعنی: دوره سطح را تماماً پنج سال و نیم گذراندم؛<sup>۷</sup> [لذا] هنوز ۱۸ سال را تمام نکرده بودم که تمام دروس سطح را خوانده و درس خارج را شروع کرده بودم.<sup>۸</sup>

### دروس سطح عالی اجتهاد

«مدتی هم درس خارج آقای حاج شیخ هاشم قزوینی رفتیم... [اما] آقای میلانی... بسیار خوش تقریر و ضمناً دارای نظرات جدیدی هم بود و ترجیح داشت بر درس مرحوم حاج شیخ هاشم.»<sup>۹</sup> و بدین ترتیب سید علی خامنه‌ای جوان، یک سال درس اصول و دو سال و نیم درس خارج فقه آیت الله میلانی را درک کرد. و پس از اقامتی کوتاه در نجف، در ۱۳۳۷ شمسی به قم رفت.

«از میان همه آن درسها، یکی درس امام و بعد از آن درس آیت الله آقا مرتضی [حائری یزدی] و دیگری درس آیت‌الله‌العظمی بروجردی را می‌رفتیم. در درس فقه و اصول امام هم مستمراً شرکت می‌کردم.»

«استادی که طلباب جوان و مشتاق را در وهله‌ی اول به خود جلب می‌کرد، همین مردی بود که آن روز در میان شاگردانش به عنوان «حاج آقا روح الله» شناخته

---

۶ . بیانات در آغاز دوره‌ی جدید درس خارج فقه ۱۳۷۱/۶/۲۹

۷ . همان

۸ . شرح اسم، ص ۶۷.

۹ . بیانات در آغاز دوره‌ی جدید درس خارج فقه ۱۳۷۱/۶/۲۹

می‌شد. مجموعه‌ی جوانان فاضل و درس‌خوان و پُرشوق در محفل درس او جمع بودند. ما در چنین فضایی وارد قم شدیم... او مظهر نوآوری علمی و تبحر در فقه و اصول بود.<sup>۱۰</sup>

تلاش و مجاهدت علمی معظم<sup>م</sup> له در کنار اخلاص و معنویت ایشان، نبوغ فکری و علمی‌شان را عیان کرد و در آغاز جوانی، به مقام بالایی از علم و فقاہت رسیدند و درجه اجتهاد را دریافت نمودند.<sup>۱۱</sup>

### تدریس و شاگردپروری

پس از بازگشت به مشهد در سال ۱۳۴۳ عمده<sup>۱۲</sup> تدریس آقا سید علی، در مدرسه میرزا جعفر بود. یکی از متون درس‌دهی او کتاب «اصول الاستنباط فی اصول الفقه» اثر سید علی نقی حیدری از شاگردان آیت‌الله سید ابوالقاسم خوبی بود. این کتاب در مشهد به جای معالم الاصول درس داده می‌شد.

«از سال چهل‌وسه چندین<sup>۱۳</sup> اقدام من کردم. یک اقدام، شروع... درس‌های فقه و اصول برای طلاب، که اگر چه که درس فقه و اصول بود، واقعاً هم فقه و اصول بود، اما در لابلاهی مباحث فقهی و اصولی، مباحث سیاسی اینها را مطرح می‌کردیم و شاگردهای من، آن کسانی که آن

---

۱۰. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه در مرقد حضرت امام، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴

۱۱. کتاب پرتوی از خورشید، ص ۲۰، به نقل از حضرت آیت الله مصباح یزدی و کتاب کانون عزت و اقتدار، ج ۵، به نقل از حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین بهجتی اردکانی.

۱۲. از سال چهل‌وهفت یا چهل‌وشش، چهل‌وهفت یک درس تفسیر شروع شد [که] تا سال پنجاه‌ویک ادامه داشت، و سال پنجاه‌ویک ساواک این درس را تعطیل کرد که من بعد تبدیلیش کردم به درسی از عقاید؛ یعنی کلام جدید شروع کرده بودم.

روز آن درسهای من می‌آمدند، بعدها همه‌شان جزو کسانی بودند که در میدانهای سیاست و مبارزه و کارهای انقلابی جزو افراد برجسته و نام‌آور بودند، الان هم هستند.<sup>۱۳</sup>

بنا بر اسناد ساواک، ایشان سالها به تدریس در حوزه علمیه مشهد می‌پرداختند و روزانه دو درس از سطوح عالی، «رسائل» و «مکاسب» را به شاگردانش تدریس می‌نمود. در این اسناد آمده است که وی، به عنوان نماینده آیت الله خمینی به برخی طلاب حوزه علمیه مشهد، شهریه می‌پرداخته است.<sup>۱۴</sup>

تدریس دروس سطح توسط ایشان در مشهد، تا سال ۱۳۵۶ که به ایرانهشر تبعید شد (در طول بیش از ۱۲ سال) هرگز قطع نگردید؛ مگر تیغ زندانها که رشته تدریس را هر از گاهی می‌برید.

معظم له در خاطراتشان می‌گویند: «رسائل هم همین طور. من تا وقتی که رسائل می‌گفتم از ۱۶-۱۵ نفر و ۲۰ نفر شروع شده بود که بعد [افزایش یافت]. درس کفایه<sup>۱۵</sup> [هم] می‌گفتم برای ۴۰-۳۰ نفر.»<sup>۱۶</sup> بر اساس مستندات، درس مکاسب ایشان، گاه تا ۱۲۰ شاگرد را گرد خود می‌آورد و از حلقه‌های علمی معروف و بزرگ مشهد بود.

---

۱۳. مصاحبه با صدا و سیما پس از مراسم تحلیف ۱۳۶۰/۰۷/۱۹

۱۴. اسناد ساواک، نامه شهربانی خراسان به رئیس ساواک خراسان، شم ۵۷-۹۵۳، مورخ ۵۵/۷/۲۴

۱۵. این کتاب، عالی‌ترین مرجع درسی پیش از خارج است و لازمه تدریس آن، دستیابی به رتبه اجتهاد است.

۱۶. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات سید علی خامنه‌ای، شم بازیابی ۱۲۲۸.

## پژوهش و تألیفات

تحقیق و نگارش آثار در حوزه معارف دینی، یکی از فعالیت‌های پرحجم مقطع بازگشت معظم له در مشهد است؛ انتشار آثار دین‌پژوهی معظم له در قالب سه کتاب «گفتاری در باب صبر»، «روح توحید، نفی عبودیت غیر الله» و «دو پژوهش قرآنی»، دو پژوهش رجالی با عنوان‌های «چهره رجالی شیخ طوسی» و «چهار کتاب اصلی علم رجال» و انجام «پژوهشی در باب حوزه علمیه مشهد» که پژوهشی بدیع در نوع خود محسوب می‌شود.

ترجمه کتاب ارزشمند «صلح امام حسن (علیه‌السلام)» و انجام پژوهش‌های دقیق در سیره و تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام) - که نگارش کتاب «پیشوای صادق» یکی از خروجی‌های آن است - علاوه بر سخنرانی‌های پرشور آن روزها، بعدها در پیام‌ها و سخنرانی‌های تخصصی تاریخ ائمه، آثار خود را نشان داد؛ در این باره می‌فرمایند:

من این توفیق را داشتم که سالهایی متمادی، در زندگی آن بزرگواران، سیر دقیق با حوصله‌ی وجب به وجبی کنم. البته این مطالعات و بررسیها مربوط به قبل از انقلاب است. بعد از انقلاب، دیگر مجال نبوده است که چنین مطالعاتی را دنبال کنم.<sup>۱۷</sup>

تألیف کتاب «ادعاینامه‌ای علیه تمدن غرب»، که شروع و پایان آن در زندان صورت می‌پذیرد و ترجمه کتب قابل استفاده در فضای مبارزات آن روزگار، یکی دیگر از سرفصل‌های مطالعاتی و فعالیت‌های علمی معظم له را تشکیل می‌دهد؛ ترجمه کتاب «اشک و لبخند»، نوشته جبران خلیل جبران، ترجمه کتاب «آینده در

---

۱۷. بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری سالگرد ارتحال امام، ۱۳۷۵/۰۳/۰۲

قلمرو اسلام»، اثر سید قطب، و ترجمه کتاب «نقش مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» نمونه‌ای از این تألیفات ارزشمند است.

و این فهرست، جدای از کتبی است که از سخنرانی‌های معظم له نگارش شده؛ از کتاب ارجمند «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» و «همرزمان حسین (علیه السلام)»، تا «دو امام مجاهد» و «انسان ۲۵۰ ساله» که آمار آنها به بیش از صدها جلد می‌رسد!<sup>۱۸</sup>

### آشنائی با حضرت امام و آغاز مبارزات

مطالعات گسترده ایشان در زندگی ائمه (علیهم السلام) و شناخت «تشکیل حکومت اسلامی» به عنوان هدف اصلی تلاش‌های اهل بیت و نقطه نهایی خط مستمر مبارزه ائمه معصومین، این موضوع را به کانون اهتمام و محور همه فعالیت‌های مبارزاتی معظم له تبدیل ساخته بود؛

«ما امروز برآورنده‌ی همان مقصودی هستیم که ائمه (علیهم السلام) برای آن مبارزه کردند و به خاطر آن به شهادت رسیدند. ائمه (علیهم السلام) مبارزه‌شان و تلاش بلند مدتشان برای این بود که حکومت اسلامی، یعنی حاکمیت اسلام در جامعه تأمین بشود.»<sup>۱۹</sup>

ایشان در تبیین مراحل آغازین ورودشان به عرصه مبارزات سیاسی می‌فرمایند:

«در فاصله شروع مبارزات انقلابی روحانیت و مردم در سال ۱۳۴۱، در این دوران ما در مشهد بودیم. قبل از آنی که این مبارزات شروع بشود من که یک طلبه‌ای بودم جوان و پرشور و علاقه‌مند، اگر چه در مبارزات سیاسی وارد نبودیم.»<sup>۲۰</sup>

---

۱۸. در پژوهشی که بر روی آثار نگارش یافته از بیانات معظم له انجام شده، تا سال ۱۳۹۱، ۱۷۴۰ عنوان کتاب به زبان فارسی، عربی، انگلیسی و دیگر زبانها شناسائی و ثبت شد.

۱۹. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۴/۰۱/۲۳

۲۰. مصاحبه با صدا و سیما پس از مراسم تحلیف ۱۳۶۰/۰۷/۱۹

«همان وقت جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی به وسیله نواب صفوی در من به وجود آمده و هیچ شکی ندارم که اولین آتش را مرحوم نواب در دل ما روشن کرده.»<sup>۲۱</sup>

بعد هم، امام روی من اثر گذاشتند. من قبل از آن که به قم بیایم و قبل از شروع مبارزات، نام امام را شنیده بودم و بدون اینکه ایشان را دیده باشم، به ایشان علاقه و ارادت داشتم... ایشان هم روی من خیلی اثر داشتند.»<sup>۲۲</sup> «ما چهره سیاسی آقای خمینی را برای اول بار کشف کردیم... وقتی مبارزات پیش آمد در حقیقت ما... احساس کردیم آن شخصیتی که میتواند از لحاظ فکری و روحی ما را اشباع کند، ایشان است و لاغیر.» «چیز خیلی روشنی بود و همه هم می‌دانستند این [ارتباط نزدیک با حضرت امام] را؛ «و معروفین بتصدیقنا ایاکم» به قول زیارت جامعه، این جوری بودیم.»<sup>۲۳</sup>

«قبل از انقلاب، یک وقت بنده از طرف امام (رضوان‌الله‌علیه)، پیغامی برای جمعی از علمای شهر خودمان، مشهد بردم. بخشی از پیغام این بود که «امروز اسرائیل بر همه‌ی اوضاع مسلط شده است.»<sup>۲۴</sup> تنها کسی که این پیام را درست گرفت و درست درک کرد، مرحوم آیت الله شیخ مجتبی قزوینی بود. او خود مردی مبارز بود و نسبت به امام اظهار ارادت می‌کرد.»<sup>۲۵</sup>

## در آمیختن علم و مبارزه

درک عمیق ایشان از ضرورت مبارزه ضد رژیم سفاک شاه، باعث نشد که اشتغال به تدریس علوم دینی را رها کنند. ایشان همزمان که به تدریس دروس سطح در حوزه علمیه مشهد مشغول بودند؛ به سازماندهی فعالیت‌های مبارزاتی پرداخته،

---

۲۱. کتاب شرح اسم

۲۲. دیدار و گفت و گوی صمیمانه با جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷

۲۳. شرح اسم،

۲۴. بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام، ۱۳۷۳/۰۳/۰۴

۲۵. کتاب شرح اسم

به شاگردان نیز توصیه می‌فرمودند، هر دو جنبه علم (به معارف عمیق دینی) و عمل (تلاش برای حاکم ساختن دین در جامعه) را در وجود خویش پیروانند:

«در دوران مبارزات در مشهد بنده درس می‌گفتم؛ سطوح درس می‌دادم، مکاسب و کفایه می‌گفتم، در کارهای مبارزه هم بودم. طلبه‌هایی که با بنده معاشر بودند، خیلی از آنها داخل مسائل مبارزه بودند. حضور در میدان‌های سیاسی و اجتماعی، بعضی از آنها را دچار تردید کرده بود که خواندن این درسها و دقت در متون درسی چه فایده‌ئی دارد، برویم مشغول کار سیاسی شویم. آنها در همان میدان سیاسی هم با بنده مرتبط بودند و از بنده چیزهایی می‌آموختند. وقتی متوجه این تردید شدم، به آنها گفتم هر کاری بخواهید بکنید، بی‌مایه فطیر است؛ باید مایه داشته باشید تا بتوانید منشأ اثر باشید.»<sup>۲۶</sup>

چند هفته‌ای از ازدواج آقای خامنه‌ای نمی‌گذشت که در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ حاج آقا روح‌الله خمینی به ترکیه تبعید شد. خبر امکان تبعید امام به ترکیه، چند روز پیش از اجرای حکم به مشهد رسیده قرار بود چهاردهم آبان، فردای تبعید امام، جلسه‌ای بسیار مهم در خانه آیت‌الله سید حسن قمی در مشهد برپا شود.<sup>۲۷</sup> یکی از دعوت شدگان به این جلسه آقای خامنه‌ای بود. آن روز خطاب به همسرش گفت که:

«باید بروم... و ممکن است دیگر برنگردم؛ یا زندانی شوم، یا ما را بکشند. از آنجا او را وارد جریانات کردم. دیدم آدم قرصی است و آماده است که این حوادث را پذیرا باشد.»<sup>۲۸</sup>

---

۲۶. بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

۲۷. کتاب شرح اسم، ص ۱۸۳.

۲۸. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات سید علی خامنه‌ای، شم بازبایی ۱۲۲۷.

## توصیف دوران مبارزات

وصف حال آن روزگاران در بیان ایشان این گونه است:

«در آن پانزده سال مبارزه، شبی را نخوابیدم که بدانم صبح از خانه‌ام بیرون می‌روم و اصلاً بیدار می‌شوم یا نه؟! احتمال بود که هر آن، ما را ببرند. هیچ روزی هم بیرون نیامدم که بدانم شب به خانه برمی‌گردم یا نه؟!»<sup>۲۹</sup>

«من بارها بازداشت شدم؛ مرا شش مرتبه بازداشت کردند. یک بار هم زندان بردند، یک بار هم تبعید شدم. مجموعاً این دورانها نزدیک به سه سال طول کشیده است.»<sup>۳۰</sup>

بنده در سنین شما که بودم (که دوران مبارزه و دوران انقلاب بود) شب و روز نداشتم. خدا را شکر می‌کنم که دوره‌ی جوانی ما با تلاش دائم گذشت، اما الان هم که سن من از ۶۰ سال گذشته و جزو پیرمردها به حساب می‌آیم، خدا را شکر می‌کنم که هنوز هم آسایش و آرامشی برای خودم قائل نیستم. من دائم مشغولم و تا زنده باشم و بتوانم، همین طور، کار خواهم کرد. توصیه‌ام به همه این است که مشغول باشند و کار کنند.<sup>۳۱</sup>

«این را بدانید که بنده با گذراندن یک عمر نسبتاً طولانی در این راهها، بزرگ‌ترین آرزویم این است که مرگ من در این راه باشد، و الا کسی که در راهی زحمت کشیده و تلاشی کرده، اگر قرار باشد مرگش در یک راه دیگر باشد (مثلاً در حال خوابیدن در رختخواب باشد) هیچ خشنود نمی‌شود. امیدواریم خدای متعال، تفضل کند و ما را هم به شهادت بمیراند، زندگی ما را هم، زندگی شهدا و مرگ ما را هم، مرگ شهدا قرار دهد.»<sup>۳۲</sup>

۲۹. بیانات در دیدار گروه نمایش صدا، ۱۳۷۱/۱۰/۲۹

۳۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴

۳۱. بیانات در پاسخ به دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

۳۲. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای سانحه‌ی نیروی هوایی و خانواده‌ی مرحوم حجت‌الاسلام حسینی شاهرودی، ۱۳۷۳/۱۱/۱۰